

تبیین علل تکرار آیاتی از قرآن کریم

اثر: دکتر پریچه ساروی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات دانشگاه تهران

(از ص ۱۸۷ تا ۲۰۷)

چکیده:

تکرار در کلام بشری به عنوان یک ابزار، هرگاه در راستای تأمین هدف اصلی از وضع الفاظ، یعنی انتقال معانی قرار گیرد، مطلوب است و گرنه نامطلوب خواهد بود. در کلام الهی یعنی قرآن نیز پدیده تکرار حتی در حد تمام الفاظ آیه دیده می‌شود. این تکرارها با چنین گستردگی از کدام نوع هستند؟ دو بخش این مقاله، پاسخگوی این سؤال اساسی است. در بخش اول، پس از آشنایی با مفهوم تکرار به طور کلی، ضمن برشماری و طبقه‌بندی انواع تکرارهای قرآن و سپس گردآوری و بررسی عملکردهای پژوهشگران در این زمینه، مشخص می‌شود که متأسفانه چگونه بررسی مهمترین نوع آن، یعنی تکرار آیه مورد بی‌توجهی واقع شده است. در بخش دوم، طی پژوهشی نوین و فراگیر، با تقسیم‌بندی آیات مکرر از لحاظ محل تکرار و بررسی جداگانه هر یک از آنها، علل تکرار همین قسم ارایه می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: تکرارهای قرآن، آیه مکرر، علت تکرار، ارتباط آیات.

۱- مقدمه

از آنجا که انسان در زندگی خویش همواره با تکرار اعمال، سخنان و ... رو به رو بوده و آن را نیز همانند دیگر مسایل مرتبط با محیطش مورد تجزیه و تحلیل عقلانی قرار داده، درباره پدیده تکرار در قرآن نیز با چنین ذهنیتی اظهار نظرهای مختلفی ابراز داشته که تحقیق پیرامون این موضوع را امری ضروری می‌سازد. برای زمینه‌سازی ورود به بخش اصلی مقاله، یعنی علل تکرار آیه کامل، طرح دو بخش: ۱-۱ تکرار و مباحث کلی مربوط به آن ۱-۲ تکرار در قرآن به طور کلی، لازم می‌نماید.

۱-۱-۱- تکرار و مباحث کلی مربوط به آن

مباحث زیر به منظور آشنایی با مفهوم تکرار مطرح می‌گردد.

۱-۱-۱-۱- تعریف تکرار

"الکرر" یعنی رجوع (ابن منظور، ۱۳۵/۵)؛ عطف بر چیزی بالذات یا بالفعل (راغب اصفهانی، ۴۲۸) و "کرر الشیء و کرره" یعنی آن چیز را پی در پی اعاده کرد (ابن منظور، ۱۳۵/۵).

۱-۱-۱-۲- تکرار در علم بلاغت

جایگاه این موضوع در علم بلاغت تحت عناوین: الف. "اطناب"، ب. "فصاحة الکلام" است.

الف - اطناب یعنی زیادت لفظ بر معنا به انگیزه فایده‌ای یا ادای معنا با عبارتی بیش از حد متعارف توسط افراد بلیغ به جهت تقویت و تأکید آن.

زیادت بدون فایده، "تطویل" یا "حشو" نامیده می‌شود و هر دو عیب کلام بوده و از مراتب بلاغت به دور می‌باشند. اطناب انواع بسیاری دارد، یکی از آنها تکرار است که به یکی از انگیزه‌های زیر صورت گیرد: ۱- تأکید و تقریر معنا در نفس ۲-

طول فصل ۳- قصد استیعاب ۴- زیادت ترغیب در عفو ۵- ترغیب در قبول نصیحت و ایجاد میل در مخاطب برای پذیرش خطاب ۶- یادآوری نسبت به شأن مخاطب ۷- تردید ۸- تلذذ از ذکر آن ۹- ارشاد به طریق بهتر (هاشمی، ۲۲۸-۲۳۰).

با توجه به اینکه هم در تعریف "اطناب" و هم در توضیح "تکرار" - با اینکه خود یکی از انواع "اطناب" می باشد - وجود فایده شرط است، تکرار را می توان به دو قسم تقسیم نمود: ۱- تکراری که از نشانه های بلاغت کلام و مطلوب است. ۲- تکراری که مخلّ بلاغت و نامطلوب است.

ب- فصاحت کلام با مبرّا بودن از شش عیب تحقّق می یابد. یکی از آنها کثرت تکرار است، یعنی لفظ واحد خواه اسم باشد یا فعل یا حرف و خواه اسم ظاهر باشد یا ضمیر، چندین بار بدون فایده تکرار شود (همان مرجع، ۲۱، ۲۶). براساس این گفتار نیز تنها تکرار بدون فایده عیب محسوب می گردد، نه هر تکراری.

۳-۱-۱- تکرار در علم روانشناسی
در روانشناسی تأثیر تکرار بر انسان از جنبه های مختلفی از قبیل حافظه، دقت، تفکّر و یادگیری بررسی می شود. در برخی از این جنبه ها، تکرار توسط خود شخص انجام می شود و در بعضی دیگر توسط فرد یا افراد دیگری همچون معلّم.

۲-۱- تکرار در قرآن
به دلیل نامطلوب بودن برخی از تکرارهای موجود در کلام بشری، در مورد تکرارهای قرآن نیز دو گونه قضاوت شده است. بعضی از افراد ناآشنا یا مغرض به همین بهانه، به علل تکرارهای این کلام الهی نیز توجّهی ننموده، صرف وجود تکرار آن را عیب و نقص قرآن بر شمرده اند. در مقابل، عدّه ای دیگر که اعتقاد دارند این کتاب از جانب خداوند علیم و حکیم نازل شده و بنابراین، انتخاب الفاظ آن

حکیمانه است، درصدد یافتن حکمت‌های این تکرارها برآمده، درباره برخی از موارد آن مطالبی نگاشته‌اند. در این آموخته‌ها به بررسی تکرارهای آیه‌ها در قرآن کریم پرداخته‌اند. برای آشنایی با عملکردهای دیگران در این زمینه، ابتدا انواع تکرارهای قرآن را تقسیم‌بندی نموده، سپس براساس آن، موارد تحقیق شده و موارد غفلت شده را مشخص می‌کنیم.

الف (از این به بعد به جای شماره "۱-۲-۱" از حرف "الف" استفاده می‌شود)

۱-۲-۱- تقسیم‌بندی تکرارهای قرآن از لحاظ قالب‌های لفظی و معنوی

تکرارهای قرآن:

۱- الف - تکرار معنا:

۱- با عبارات یکسان

۲- با عبارات متفاوت

۲- الف (تکرار لفظ):

۱- یک لفظ

۲- بیش از یک لفظ

۱- ۲- برخی از الفاظ آیه

۲- ۲- تمام الفاظ آیه

ب (از این به بعد به جای شماره "۱-۲-۲" از حرف "ب" استفاده می‌شود)

۱-۲-۲- عملکردهای دانشمندان درباره علل تکرارهای قرآن

در اینجا به توضیح عملکردهای دیگران و نیز نکات لازم پیرامون یکایک این اقسام می‌پردازیم.

۱- ب - تکرار معنا با عبارات یکسان
این نوع از تکرار، به همان تکرار لفظ بر می‌گردد، زیرا لفظ بدون معنا ارزشی ندارد. هنگام بحث از علت تکرار لفظ، ارتباط آن با معنا و در نتیجه تکرار آن هم مقصود می‌باشد.

۲- ب - علت تکرار معنا با عبارات متفاوت
از آنجا که لفظ تابع معناست، اختلاف لفظ نیز نشانه اختلاف معناست. حتی مترادفات، هر یک جنبه‌ای از جوانب یک شیء را می‌رسانند. از این رو، بیان یک واقعه یا موضوع خاص به الفاظ گوناگون در سوره‌های مختلف قرآن، به مفهوم تکرار آن نیست، بلکه مسلماً در هر سوره جنبه‌ای غیر از دیگری لحاظ بوده، پیام جدیدی در راستای هدف همان سوره و مرتبط با دیگر آیات آن دارد. ولی متأسفانه بیشتر دلایل ارایه شده صاحب‌نظران در زمینه تکرارهای قرآن، به جهت تصور نمودن وقوع تکرار در این قسم، به همین مورد مربوط می‌شود. دلایل آنها به طور کلی به ده دسته تقسیم می‌شود: ۱- تأکید (زرکشی، ۱۳۷۶ ق، ۹/۳)؛ ۲- تحدی (طیاره، ۱۳۶۱ ش، ۹۸)؛ ۳- تثبیت اندیشه و عقیده در روان آدمی (همان مرجع، ۹۹)؛ ۴- تفاوت فهم مخاطبان و رعایت حال آنها (رافعی، ۱۴۱۰ ق، ۱۹۳-۱۹۶، حجازی، ۱۳۹۰ ق، ۳۶-۶۶)؛ ۵- لذت و تعقل و خاطر جمعی (دهلوی، ۱۴۰۵ ق، ۹۸-۹۷)؛ ۶- از دست رفتن برخی از موضوعات قرآن برای قاری یک جزء آن (ابونیل، ۱۴۰۸ ق، ۲۳)؛ ۷- تأکید وحدت قرآن کریم (همان مرجع، ۲۳)؛ ۸- اقتضای حال (نورسی، ۱۹۹۰ م، ۱۸۵)؛ ۹- تأثیرپذیری از محیط (سغان، ۲۳۴-۲۳۵)؛ ۱۰- فصاحت و بلاغت (قطان، ۱۴۰۳ ق، ۳۰۷).

بدیهی است وقتی اصل مسأله (تکرار بودن این قسم) صحیح نیست، دلایل مبتنی بر آن نیز بی مورد است.

۳-ب - علت تکرار یک لفظ

این قسم از تکرار، خود به دو نوع تقسیم می‌شود: ۱- تکرار یک لفظ در یک آیه یا دو یا چند آیه پشت سرهم ۲- تکرار یک لفظ در مواضع مختلف. دلایل پژوهشگران درباره نوع اول به هفت دسته تقسیم می‌گردد: ۱- در حقیقت تکرار نیست (غریابی، ۱۴۰۳، ق، ۱۱۲۸/۲). ۲- مقبولیت کلام (عبدالقادر حسین، ۱۹۷۸، م، ۱۱۸)، ۳- ترس از فراموشی در صورت طولانی شدن کلام (امرو، ۱۱۸)، ۴- تعظیم و تهدید (امرو، ۱۱۹)، ۵- مدح (ابن ابی الاصبغ، ۱۳۳۷، ق، ۲۳۵)، ۶- استبعاد (امرو، ۲۳۶)، ۷- شیوع و اهمیت داشتن در جامعه (حنسی، ۹۰-۸۹).

نوع دوم زیربنای مباحث تفسیر موضوعی را تشکیل می‌دهد، زیرا در تفسیر موضوعی، کلیه آیات مربوط به لفظ را با هم مقایسه نموده، به نتایج تازه‌ای درباره یک موضوع خاص می‌رسند. در این زمینه در مورد برخی از الفاظ قرآن کتابهایی نگارش یافته است.

۴-ب - علت تکرار برخی از الفاظ آیه

این قسم در عمل بخش جداگانه‌ای را تشکیل نمی‌دهد، زیرا اگر تعداد الفاظ مکرر کم باشد، به همان علت تکرار یک لفظ و تفسیر موضوعی می‌انجامد که البته با توجه به افزونی تعداد کلماتش، تفسیر موضوعی آن نیز دقیقتر و کاملتر می‌شود و اگر تعداد الفاظ مکرر زیاد یعنی در حدود یک آیه باشد، به همان علت تکرار تمام الفاظ آیه منجر می‌شود، ولی در حدی ضعیفتر از آن.

۵-ب - علت تکرار تمام الفاظ آیه

از میان ۷۲ آیه مکرر در قرآن کریم، تنها سه آیه مکرر سوره‌های "الرحمن"، "المرسلات" و "القمر" که به سبب تکرار زیاد در یک سوره قابل اغماض نبوده، مورد توجه پژوهشگران این موضوع قرار گرفته است. سایر موارد به خاطر فاصله زیاد

مخالف تکرار اصلاً به عنوان تکرار نظری را به خود جلب ننموده، هیچ گونه تحقیقاتی دربارهٔ آنها تاکنون انجام نشده است.

۵-۱. خلاصه نظریات محققان پیرامون علت تکرار آیه "لبأی الاء ربکما تکذبان" (الرحمان، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۵) در سوره "الرحمن"

۱- تقریر نعمتهای عطا شده نیکوست؛ پس تحسین تکرار به جهت اختلاف نعمتی است که تقریر می‌کند (شریف مرنسی، ۱۲۰/۱، تلخ طوسی، ۲۶۸/۹، طبرسی، ۱۴۰۸، ق، ۹/۹۷).

۲- اشاره به اینکه هر نعمتی از آن نعمتها و هر بیئنه‌ای از آن بیئات به تنهایی مستلزم شکر و اقرار به وحدانیت خداوند است (ابرهام، ۱۶۲).

۳- این آیه اگر چه متعدّد آمده، ولی هر یک از آنها متعلق به ماقبل خود است (امدالدار حسین، ۱۹۷۸، ۱۱۹-۱۲۰).

۴- از میان ۳۱ بار تکرار آن، هشت مورد پس از شمردن عجایب خلقت و مبدأ آفرینش، هفت مورد - به اندازه درهای جهنّم - پس از یاد جهنّم و سختی‌های آن، هشت مورد - به اندازه درهای بهشت - در وصف دو بهشت و اهل آن و هشت مورد آخر دربارهٔ دو بهشت دیگر آمده است. پس برای کسی که به هشت مورد اول معتقد باشد و به موجبات آن عمل نماید، درهای بهشت گشوده و درهای جهنّم بسته شود (جزی، ۱۲۰۹، ق، ۱۰/۵۶۷، کرمانی، ۱۲۱۱، ق، ۳۳۹-۳۴۰).

۵- این آیه فریاد می‌زند و صریحاً اعلان می‌دارد که کفر جنّ و انس و انکارشان سبب به تعمتهای الهی، خشم تمام موجودات را برمی‌انگیزد و به حقوق همه مخلوقات تجاوز می‌کند. لذا اگر در خطاب به آنها هزاران مرتبه هم تکرار شود، باز هم ضرورت دارد و نیاز به آن همیشه باقی است (نورسی، ۱۹۹۰، ۱۸۷).

۶- استبعاد (بن ابی الاسع، ۱۳۳۷، ق، ۲۴۶).

۵-۲. خلاصه نظریات پژوهشگران دربارهٔ علت تکرار دو آیه "فکیف کان

عذابی و نذر" (القمر، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۳۰) و "لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر" (القمر، ۱۷، ۲۲، ۳۲، ۴۰) در سوره "القمر"

۱- از آنجاکه در این سوره انواع انذار و عذاب ذکر گردیده، یادآوری نیز کاملاً به یکایک آنها پیوند خورده است (طبرسی، ۱۴۰۸، ق، ۲۸۶/۹).

۲- علت تکرار آیه "فکیف کان عذابی و نذر" در داستان قوم عاد این است که اولی مربوط به دنیاست و دومی مربوط به آخرت (فیض، ۱۳۵۶، ش، ۶۳۴/۲، قمی مشهدی، ۱۳۶۶، ش، ۵۴۲/۱۲، اقی، ۳۳۹).

۳- تکرار آیه "ولقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر" در هر یک از داستانهای این سوره به خوانندگان می فهماند که تکذیب هر رسول مقتضی نزول عذاب و شنیدن هر داستان مستلزم یادآوری و عبرت گیری است تا دچار غفلت نشوند (قمی مشهدی، ۱۳۶۶، ش، ۵۴۸/۱۲).

۳-۵- ب- خلاصه نظریات صاحب نظران پیرامون آیه "ویل یومئذ للمکذبین" (۱) در سوره "المرسلات"

۱- این سوره روز فصل یعنی قیامت را ذکر کرده، اخبار مربوط به آن را تأکید و با تهدید شدید نسبت به تکذیب کنندگان آن و انذار و بشارت نسبت به سایرین قرین نموده و به جهت افزودن جانب تهدید بر جانب دیگر، این آیه را تکرار کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۴، ق، ۱۴۴/۲۹).

۲- آیه فوق هر بار پس از یکی از نعمتهای شمرده شده در این سوره قرار دارد، پس تکرار محسوب نمی شود (طبرسی، ۱۴۰۸، ق، ۶۳۲/۱۰).

۳- چون هر بار به دنبال یکی از داستانهای این سوره آمده است، در هر مرتبه مربوط می شود به تکذیب کنندگان همان داستان (عبدالقادر حسین، ۱۹۷۸، ۲۰).

۲- بررسی علل تکرار برخی از آیات قرآن کریم

در این بخش براساس پژوهشی نوین، علل تکرار آیه که از طرفی به دلیل تعداد زیاد الفاظ مکرر، مهمترین نوع تکرار در قرآن می باشد و از طرف دیگر بیش از همه مورد غفلت بوده است، بازگو می شود.

برای نیل به این مقصود، نخست آیات مکرر از لحاظ محل تکرار به دو نوع: ۱- تکرار آیه در یک سوره و ۲- تکرار آیه در بیش از یک سوره، تقسیم بندی شد. در مرحله بعد، در بررسی نوع اول، آیه مکرر با سایر آیات همان سوره و در مورد نوع دوم، آیات هر یک از سوره های دربردارنده آیه مکرر با آیات دیگر سوره های دربردارنده آن مقایسه گردید.

اینک علل به دست آمده از این بررسی ها به ترتیب بیان می شود. برای اثبات فرضیه نیز نمونه ای برای هر یک از آنها ارائه می گردد.

۲-۱- علت تکرار آیه در یک سوره

در اینجا تقسیم بندی دیگری لازم است، زیرا با جداسازی مواردی که به تعداد نسبتاً کمی - مثلاً دو یا سه بار در یک سوره طولانی - ذکر شده اند، از مواردی که به تعداد نسبتاً زیادی به کار رفته اند، برای هر یک، علت خاصی می یابیم.

۲-۱-۱- علت تکرار آیه در یک سوره به تعداد زیاد

در این گونه موارد، آیه مکرر با داشتن نقش محوری در میان کلیه آیات یک سوره، بیانگر هدف کلی سوره و در نتیجه، تکرار آن به جهت تأکید بر اهمیت آن هدف می باشد تا تلاوت کنندگان قرآن به سادگی از کنار آن رد نشده، نهایت توجه خود را بدان معطوف دارند. بدین ترتیب، سایر آیات سوره نیز هر یک به وجهی در راستای تفهیم همان هدف و نشان دادن علت اهمیت و تأکید آن نقشی بر عهده دارند. به علاوه اینکه آیه مکرر هر بار، معنای جدیدی را هم در ارتباط با آیات قبلیش می رساند.

۱-۱-۲- نمونه‌ای برای تبیین علت تکرار آیه در یک سوره به تعداد زیاد

"وَيَلِّ يَوْمئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ" (المرسلات، ۱۵، ۱۹، ۲۴، ۳۴، ۳۷، ۴۰، ۴۵، ۴۷، ۴۹)

ده بار تکرار این آیه در سوره "المرسلات"، بیانگر هدف این سوره و تأکید شدت سختی‌ها و عذابهای روز قیامت است. سایر آیات این سوره نیز هر یک به نوعی نشان دهنده علت و چگونگی این سختی‌هاست. این تأکید می‌تواند سبب پیشگیری از گرفتار شدن انسانها به آن عذابها گردد.

از این ده بار، مورد اول پس از چند سوگند و جواب آن یعنی "انما توعدون لواقع" (المرسلات، ۷) و نیز برخی از حوادث مربوط به روز قیامت آمده است، یعنی حال که آن روز خلاف تصور آنان حتماً فرامی‌رسد و چنان وقایع هولناکی هم در پی دارد، پس وای بر تکذیب‌کنندگان آن روز و آن وقایع.

مورد دوم بعد از اشاره به هلاکت گذشتگان و اعلان گرفتار شدن آیندگان و به طور کلی تمام بدکاران همان عقوبت دیده می‌شود، پس وای در آن روز بر تکذیب‌کنندگان که باور نمی‌کردند عاقبتی همچون گذشتگان داشته باشند.

آیات پیش از مورد سوم به آفرینش انسان از آبی پست و قرار گرفتن آن در جایگاهی استوار تا زمانی معین توسط خداوند قادر اشاره دارند، یعنی خدایی که قدرت داشت ابتدا شما را از آبی پست بیافریند و تا زمانی مشخص در چنین جایگاهی قرار دهد، قادر خواهد بود روز قیامت نیز شما را که تا مدتی معین در دنیا زندگی کرده‌اید و سپس از دنیا رفته‌اید، دوباره زنده کند، پس وای بر تکذیب‌کنندگان در آن روز که تصور می‌کردند خداوند قادر نیست آنها را دوباره زنده کند و به حساب اعمالشان رسیدگی و عذابشان نماید، ولی همه اینها واقع می‌شود.

مورد چهارم پس از اشاره به قبض و بسط زمین و وجود کوهها و آب برای انسان آمده است، پس وای بر تکذیب‌کنندگان در آن روز که می‌توانستند در صورت استفاده نیکو از آن امکانات و نعمتها و جلب رضای خدا وضعیت خوبی در روز قیامت داشته باشند، ولی به سبب استفاده نادرست باید عذاب ببینند.

موارد پنجم و ششم در پی ذکر برخی از اوصاف جهنم و عذابهای تکذیب کنندگان واقع شده‌اند، پس وای بر تکذیب کنندگان در آن روز که باید گرفتار چنین عذابهای سختی شوند.

مورد هفتم به دنبال توصیف آن روز به عنوان روز فصل و جدایی و جمع گذشتگان و آیندگان و نیز خطاب به آنها برای به کار گرفتن هرگونه مکر و حيله دهنده می‌شود؛ پس وای بر تکذیب کنندگان که در آن روز از تصدیق کنندگان جدا می‌شوند و چون هیچ‌گونه مکر و حيله‌ای نمی‌توانند به کارگیرند، هیچ راهی برای خلاصی از آن همه عذاب ندارند.

مورد هشتم بعد از بیان وضعیت متقین در بهشت قرار دارد، پس وای بر تکذیب کنندگان که نه تنها از چنین نعمتهایی محروم خواهند بود، بلکه عذاب هم خواهند شد.

پیش از مورد نهم یک آیه متضمن اندک بودن زمان برخورداری آنان از لذات و خوشبها به جهت اعمال بد آنهاست، پس وای بر تکذیب کنندگان که زمان راحتی و آسایش آنها بسیار کوتاه است و بعد از این عمر کوتاه، برای همیشه باید عذاب ببینند.

مورد دهم پس از اعلان سرپیچی آنان از اطاعت خداوند، به عنوان یکی از ویژگیهای آنها در دنیا آمده است، پس وای بر تکذیب کنندگان که چون به وظیفه خود یعنی اطاعت خداوند عمل نکرده‌اند، سزاوار عذاب جهنم هستند.

از دو مورد اخیر نتیجه‌گیری می‌شود که همین اعمال ناشایست آنان - که با کلمه "مجرم" از آن تعبیر شده - و نیز سرپیچی از اطاعت خدا زمینه تکذیب آیات الهی توسط آنها شد.

۲-۱-۲- علت تکرار آیه در یک سوره به تعداد کم

بررسیهای این بخش نشان می‌دهد که پس از ذکر بار اول آیه، یک سری آیات

مربوط به موضوعی خاص قرار دارد و چون سخن طولانی شده، برای یادآوری خوانندگان نسبت به هدف آن آیات، دوباره همان آیه آمده است. در نتیجه می‌توان گفت: آیه مکرر با قرار گرفتن در ابتدا و انتهای یک سری آیات، هم محدوده موضوعی خاص و هم هدف آنها را مشخص می‌نماید.

۱-۲-۱- نمونه‌ای برای تبیین علت تکرار آیه در یک سوره به تعداد کم یک آیه (البقره، ۴۷، ۱۲۲) عیناً و یک آیه دیگر (البقره، ۴۸، ۱۲۳) با اختلافی مختصر، دوبار در سوره "البقره" ذکر شده‌اند. در فاصله دو مورد تکرار، ۷۳ آیه وجود دارند که سه گونه‌اند:

۱- آیاتی که در مقام ارائه نمونه‌ها و مصادیقی از نعمتها و عفو و رحمت خداوند نسبت به بنی اسرائیل یا زمینه‌سازی برای بیان چنین مطالبی می‌باشند. (آیات مربوط به این نوع عبارتند از: ۴۹، ۵۰، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۷۳، ۸۷، ۹۳) این آیات کاملاً با آیه اول مکرر مرتبط هستند؛ زیرا در آن آیه به بنی اسرائیل امر شده که نعمت خداوند و برتری خود را در آن برهه زمانی بر تمام جهانیان به یاد آورند و در این آیات نمونه‌هایی از نعمتهای عطا شده به آنان دیده می‌شوند.

۲- آیاتی که بیانگر برخی از اعمال و گفتار بنی اسرائیل یا توبیخ یا مجازات خداوند نسبت به آنها و یا زمینه‌سازی برای چنین مواردی می‌باشند. (آیات مربوط به این قسم عبارتند از: ۵۱، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۱، ۶۴، ۶۵، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۱۰۲، ۱۰۳) این سری آیات کاملاً با آیه دوم مکرر ارتباط دارند، زیرا در آن آیه به بنی اسرائیل خطاب شده که از گرفتار شدن به سختیهای روز قیامت با خصوصیات نامبرده بپرهیزند و در این آیات نمونه‌هایی از اعمال و گفتار ناپسند آنان که عذاب الهی را در پی خواهند داشت، آمده تا آنها متنبه شده، از این گونه اعمال و سخنان دست بردارند و خود را اصلاح نمایند.

۳- آیاتی که به طور کلی در ارتباط با اهل کتاب یا هر فردی یا حکمی یا

موضوع‌گیری خاصی نسبت به پیامبر اسلام (ص) یا وظیفه آن حضرات نسبت به آنها می‌باشند. (آیات مربوط به این نوع عبارتند از: ۶۴، ۶۶، ۸۱، ۸۲، ۸۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱) در این دسته از آیات نیز علاوه بر اینکه یهود نیز جزء همانها هستند، با توجه به قرائن موجود در آن آیات، بویژه همان یهود مفصود هستند.

مسئله توجه به نعمتها و ترس از سختیهای روز قیامت و به یاد آوردن اعمال و گفتار ناپسند که از سوی توجه به خداوند و به جا آوردن شکر او و انجام اعمال صالح را به دنبال دارد و از سوی دیگر معمولاً توسط بتدگان به فراموشی سپرده می‌شود، آن قدر اهمیت دارد که خداوند با اینکه یک بار در ابتدای این آیات این مسئله را گوشزد نموده، بار دیگر در پایان آن نیز، همان را تذکر داده است تا هم عنایت آنها را هر چه بیشتر بدان جلب نماید و هم پس از اتمام مطالب مربوط به آن - که نسبتاً طولانی نیز شده و ممکن است تلاوت کننده قرآن، هدف از ذکر آنها را فراموش کرده باشد - یک بار دیگر یادآوری کند و بدین ترتیب حصارهای هم به دور آیات مربوط به این موضوع خاص کشیده و محدوده آن را با ذکر دو آیه‌ای که هدف تمامی این دسته از آیات می‌باشد، مشخص نموده است. البته در میان آیات بعدی این سوره (آیات ۱۲۴-۲۸۶) نیز تنها چند آیه در ارتباط با بنی اسرائیل دیده می‌شود که مرتبط با همان بحثهای و منافاتی با حصار مذکور ندارد.

۲-۲- علت تکرار آیه در دو یا چند سوره

مقایسه سوره‌های دربردارنده یک آیه مکروه، نشان می‌دهد که آیات این سوره‌ها آنچنان با هم ارتباط دارند که مطالب یکدیگر را تکمیل و تفسیر می‌کنند. به عبارت دیگر، آیات مکروه نشانه‌هایی هستند که ما را به یافتن جایگاه توضیحات بیشتر پیرامون مطالب برخی از سوره‌ها رهنمون می‌شوند.

۱-۲-۲- نمونه‌ای برای تبیین علت تکرار آیه در دو یا چند سوره

در دو سوره "المؤمنون" و "المعارج" چهار آیه (المؤمنون، ۸۵، المعارج: ۲۹-۳۲) عیناً و یک آیه (المؤمنون: ۹، معارج: ۳۴) با اختلافی مختصر تکرار گردیده‌اند. همین امر موجب مقایسه آیات این دو سوره و در نتیجه یافتن اشتراکات و شباهتهای بسیاری میان آنها شد. به گونه‌ای که می‌توان گفت: این دو سوره - یکی با تفصیل و دیگری با اختصار خود - معانی یکدیگر را تکمیل کرده، در مواردی نتایج جدیدی به دست می‌دهند. مطالب هر دو سوره به دو دسته کلی: ۱- آیات مربوط به مؤمنان ۲- آیات مربوط به کفار، تقسیم می‌شوند. با این تفاوت که در سوره "المؤمنون" ابتدا مطالبی درباره مؤمنان و سپس کفار؛ آمده است، ولی در سوره "المعارج" اول کفار و بعد مؤمنان آمده است.

مواردی از اشتراکات و شباهتهای دو سوره چنین است:

۱- نماز

آیه ۲ سوره "المؤمنون" و آیه ۲۳ سوره "المعارج"، هر دو شامل خصوصیتی در ارتباط با نماز می‌باشند. با این اختلاف که در سوره "المؤمنون"، "خشوع" و در سوره "المعارج"، "دوام" آن به تناسب هر یک از دو سوره مطرح است، زیرا آیات پیشین سوره "المعارج" به صفاتی همچون بیتابی و بیقراری هنگام برخورد با ناملازمات زندگی و بخل ورزیدن و محروم نمودن دیگران در وقت رو به رو شدن با خیر و خوشی اشاره دارند که با دوام نماز از بین می‌روند. چون کسی که در صدد است از هر کوچکترین فرصتی برای به جا آوردن نماز استفاده نماید، به طور طبیعی میل و رغبتی به دنیا ندارد تا هنگام از دست دادن آن بیتاب شود و با برخورداری از آن، دیگران را محروم نماید، ولی سوره "المؤمنون" درباره شرایط رستگاری است که لازمه آن مبرا بودن فرد از هرگونه غرور و تکبر در مقابل پروردگار می‌باشد.

۲- سرانجام و عاقبت مؤمنان

آیات ۱۰-۱۱ سورة "المؤمنون" و آیه ۳۵ سورة "المعارج" پس از ذکر برخی از اوصاف مؤمنان و نمازگزاران در هر دو سورة، به عاقبت آنان یعنی ورود به بهشت اشاره دارند.

۳- خلقت انسان

سورة "المعارج" در آیه ۳۹ تنها به آفرینش انسانها از چیزی که خودشان می دانند بدون ذکر جزئیات اشاره دارد و در آیات ۱۲-۱۴ سورة "المؤمنون" تمام مراحل خلقت به ترتیب دیده می شود، پس سورة "المؤمنون" در بردارنده شرح و تفصیل سورة "المعارج" در این موضوع می باشد.

۴- استبدال یک قوم به قومی دیگر

در آیات ۴۰-۴۱ سورة "المعارج" طی دو آیه، قدرت خداوند بر جایگزینی انسانهایی بهتر در عوض انسانهای عصر پیامبر اسلام (ص) و به طور کلی همه زمانها مطرح شده و در آیات ۱۷-۵۰ سورة "المؤمنون" طی ۳۴ آیه، پس از اشاره به فرستادن آب از آسمان و قدرت خداوند بر بردن آن از زمین و نیز نمونه‌هایی از توانایی خداوند در طبیعت، برای مسأله جایگزینی یک قوم به جای قوم دیگر، مثالها و نمونه‌هایی از اقوام گذشته آمده است، زیرا این آیات درباره خلقت اقوام و ارسال پیامبران (ع) به سوی آنان و سپس نافرمانی و در نتیجه هلاکت و جایگزینی اقوامی دیگر به جای آنها می باشد.

بنابراین، همان گونه که خداوند در مورد آبی که فرستاده، قادر است آن را از زمین و دسترس مردم دور کند و نیز همان طور که در گذشته اقوامی را هلاک و گروهی دیگر را در عوض آنها آورده است، در مورد این امت نیز قادر است آنها را ببرد و گروهی دیگر را به جای آنها بیاورد.

۵- رها کردن کافران به حال خود

پس از ذکر مطالبی درباره کفار در هر دو سوره، در آیه ۵۴ سوره "المؤمنون" و آیه ۴۲ سوره "المعارج" به پیامبر اسلام (ص) امر شده است که آنها را در همان حال سرگرمی و غفلت رها کند، زیرا دعوت آنان نیز همچون امتهای گذشته به جایی نرسیده، دست از اعمال ناروای خود بر نمی دارند و هدایت نمی شوند. سوره "المؤمنون" از غایت این امر با زمان مبهم "حتى حين" تعبیر نموده، ولی سوره "المعارج" ابهام موجود در سوره "المؤمنون" را بر طرف کرده، زمانش را مشخص می نماید.

۶- رسیدن خیر به انسان

سوره "المعارج" در آیه ۲۱، نوع انسان را در مواجهه با خیر، بخیل معرفی می کند و سوره "المؤمنون" در آیات ۵۵-۶۱، خیر بودن چیزهایی مانند مال و فرزند را نفی کرده، خیر حقیقی را منحصر می کند به خیری که انسانهای با ویژگی های نامبرده در همان جا به سوی آن می شتابند. از این رو، به کار رفتن کلمه "خیر" در سوره "المعارج" در ارتباط با انسانهای بخیل، از جهت تصور آنهاست، وگرنه خیر از نظر خدا همان است که در سوره "المؤمنون" آمده است. چیزهایی از قبیل مال و فرزند، تنها وسیله امتحان هستند. بنابراین، انسانهای بخیل، هم در شناختن "خیر" در اشتباه هستند و هم به دلیل بخل ورزیدن در آزمونهای الهی موفق نمی شوند.

۷- ترس از عذاب پروردگار

سوره "المعارج" در آیه ۲۷، روشن می کند که مقصود از ترس از خشیت پروردگار در آیه ۵۷ سوره "المؤمنون"، در حقیقت ترس از عذاب پروردگار است.

۸- انسان و مشکلات وی

در آیه ۲۰ سوره "المعارج" چگونگی برخورد انسان با مشکلات زندگی و در آیات ۷۵-۷۶ سوره "المؤمنون" اولاً چگونگی برخورد او با رحمت الهی و برطرف شدن سختیها و ثانیاً فلسفه رسیدن این مشکلات مطرح است. بنابراین سوره "المعارج" انسان در رویارویی با ناملازمات بیتاب و بیقرار است و بنابراین سوره "المعارج" هنگام برخورداری از رحمت الهی و رفع مشکلات، به طغیان خود می افزاید و زمان رو به رو شدن با سختیها، خاضع و متضرع نمی شود. از همین جا معلوم می شود که علت رو به رو شدن انسان با گرفتاریهای زندگی این است که او به خود آید و از گردنکشی و تکبر دست کشیده، خضوع و تضرع نماید.

۹- بعثت و روز موعود

در آیات ۲۵-۲۷ سوره "المؤمنون" کافران اقوام گذشته و در آیات ۸۲-۸۳ همین سوره، کافران زمان پیامبر اسلام (ص) زنده شدن پس از مرگ و نیز فرا رسیدن روز موعود را انکار کرده اند و در آیات ۴۳ و ۴۴ سوره "المعارج" به زنده شدن آنها با کیفیت نامبرده در آن و فرا رسیدن روز موعود تصریح شده است. بنابراین، می توان گفت: در این آیات، سوره "المعارج" در مقام پاسخگویی به سخن کافران مذکور در سوره "المؤمنون" است.

۱۰- شهادت فطرت نسبت به مالک تمام موجودات

در آیه ۳۳ سوره "المعارج" قیام و عمل به شهادت به عنوان یکی از خصوصیات مؤمنان مطرح است. در آیات ۸۴-۸۹ سوره "المؤمنون" با توجه به اینکه سؤالات مذکور از کافران می باشد که عملاً خداوند را کنار گذارده، از هوی و هوسهای خود تبعیت می نمایند، معلوم می شود که پرسشها از فطرت انسانهاست، نه به صورت رو در رو و ظاهر، زیرا اگر از کافران در ظاهر چنین سؤالاتی پرسیده شود، خدا را انکار

می‌کنند، ولی فطرت آنها که بر اساس خدا پرستی است، چنین شهاداتی می‌دهد. بنابراین، مقصود از شهادت مؤمنان نیز همان شهادت فطری آنهاست که برخلاف کافران، آنها کاملاً در همان جهت و بر مبنای آن عمل می‌کنند.

۱۱- بی تفاوتی خویشاوندان نسبت به یکدیگر در روز قیامت

در آیه ۱۵۱ سوره "المؤمنون" و آیات ۱۴-۱۵ سوره "المعارج" نبرمیدن خویشاوندان از حال یکدیگر در روز قیامت مطرح است. بنابر سوره "المؤمنون"، در آن روز نسب و رابطه خویشاوندی وجود ندارد و خویشاوندان نسبت به یکدیگر احساس بیگانگی می‌کنند و بر اساس سوره "المعارج"، سختیهای آن روز به حدی شدید است که انسانهای مجرم به هر وسیله ممکن در صدد نجات خود هستند. بنابراین، پروایی ندارند که حتی اگر بتوانند همان کسانی را که از طرفی در آن زمان احساس بیگانگی نسبت به آنها دارند و از طرف دیگر به دلیل وابستگی به همین بستگان که در دنیا وسیله امتحانشان بودند، مستحق بخشی از این عذابها شده‌اند، برای نجات خویش فدا کنند و آنها عبارتند از: فرزندان، همسر، برداران و خویشان حامی.

۱۲- صبر

در آیات ۱۰۹-۱۱۱ سوره "المؤمنون" نمونه‌ای از صبر جمیل امر شده به پیامبر اسلام (ص) در آیه ۵ سوره "المعارج" آمده است. سوره "المؤمنون" به رستگاری و پاداش بندگان مؤمنی اشاره دارد که در مقابل تمسخر کافران صبر کردند، پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز از جانب مشرکان قریش رنج و آزار و تمسخر بسیار می‌دید: از این رو، یکی از مواردی که آن حضرت باید صبر می‌کردند، در مقابل آنان بود.

۱۳- مقایسه مدت زندگانی دنیا با روز قیامت

بنابر آیات ۱۱۳-۱۱۴ سوره "المؤمنون"، در روز قیامت کافران در پاسخ به این

سؤال که «چه مدّت در دنیا اقامت داشته‌اند؟»، می‌گویند: «یک روز یا قسمتی از یک روز» و به آنها می‌گویند: «شما تنها مدّت اندکی در زمین زندگی کرده‌اید» و بنابراین آیه ۲ سوره «المعارج»، مدّت زمان روز قیامت برابر با پنجاه هزار سال دنیا است که در مقایسه با مدّت عمر انسان در دنیا، واقعاً هم تمام عمر او در مقابل آن، اندک است.

نتیجه

- ۱- عملکردهای محققان در زمینه «علل تکرارهای قرآن» غالباً «تکرار یک لفظ» و «تکرار معنا با عبارات متفاوت» را در بر می‌گیرد، در صورتی که مورد اخیر اصلاً تکرار نیست.
- ۲- تحقیقات پژوهشگران درباره «علت تکرار آیه» از میان ۷۲ آیه مکرر، تنها سه مورد آن را تحت پوشش قرار می‌دهد.
- ۳- علت تکرار آیه در یک سوره به تعداد زیاد، نشان دادن هدف سوره و تأکید بر اهمیت موضوع آن است.
- ۴- علت تکرار آیه در یک سوره به تعداد کم، تعیین هدف و یادآوری آن و مشخص نمودن محدوده یک سری آیات مربوط به موضوعی خاص است.
- ۵- علت تکرار آیه در دو یا چند سوره، راهتمایی برای یافتن توضیحات بیشتر درباره مطالب آن سوره‌هاست.
- ۶- تکرارهای قرآن نه تنها مطلوب؛ بلکه در حدّ اعجاز است.

منابع و مآخذ:

- ۱- قرآن مجید.
- ۲- ابن ابی الاصبح، عبدالعظیم بن عبدالواحد، بدیع القرآن، تقدیم و تحقیق حنفی محمد لطف، مصر، مکتبه نهضة، ۱۳۳۷ ق.
- ۳- ابن منظور افریقی، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، بی تا.
- ۴- ابو زهرة، محمد، المعجزة الكبرى القرآن، قاهره، دارالفکر العریبی، بی تا.

- ۵- ابونیل، محمد عبدالسلام، دراسات فی القرآن الکریم، مصر، دارالفکر الاسلامی، ۱۴۰۸ق.
- ۶- جارم، علی و مصطفی امین، البلاغة الواضحة، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۰۸ق.
- ۷- حجازی، محمد محمود، الوحدة الموضوعية فی القرآن الکریم، قاهره، مطبعة المدنی، ۱۳۹۰ق.
- ۸- حفنی، عبدالحلیم، اسلوب المحاوره فی القرآن الکریم، بیروت، بی نا، بی تا.
- ۹- حوی، سعید، الاساس فی التفسیر، دارالسلام للطباعة و النشر و التوزیع و الترجمة.
- ۱۰- خطیب، عبدالکریم، الاعجاز فی دراسات السابقین، دارالفکر العربی، ۱۹۷۴م.
- ۱۱- دهلوی، ولی الله احمد بن عبدالرحیم، الفوز الکبیر فی اصول التفسیر، قاهره، دارالصحوه، ۱۴۰۵ق.
- ۱۲- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، بی تا.
- ۱۳- رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغة النبویة، دارالکتاب العربی، ۱۴۱۰ق.
- ۱۴- زرکشی، محمد بن عبدالله بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر، داراحیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶ق.
- ۱۵- سعفان، کامل علی، المنهج البیانی فی تفسیر القرآن الکریم، مصر، مكتبة الانجلوا المصریة، ۱۹۳۰م.
- ۱۶- شریف مرتضی، علی بن حسین، امالی المرتضی، تصحیح و تعلیق و حاشیه محمد بدرالدین نسعانی حلبی و احمد بن امین شنقیطی، مصر، مطبعة السعادة، ۱۳۲۵ق.
- ۱۷- شیخ طوسی، محمد بن حسین، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.
- ۱۸- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۴ق.
- ۱۹- طبرسی، شیخ ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تحقیق و تعلیق سید هاشم رسولی محلاتی و سیدفضل الله یزدی طباطبایی، بیروت، دارالمعرفة للطباعة و النشر، ۱۴۰۸ق.
- ۲۰- عبدالقادر حسین، من علوم القرآن و تحلیل نصوصه، قطر، دارقطری بن الفجاءة للنشر والتوزیع، ۱۹۷۸م.
- ۲۱- غرناطی، احمد بن ابراهیم بن زبیر ثقفی، ملاک التأویل بذوی الالحد و التعطیل فی توجيه متشابه اللفظ من آی التنزیل، تحقیق سعید فلاح، بیروت، دارالغرب الاسلامی، ۱۴۰۳ق.
- ۲۲- فیض کاشانی، ملّا محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، چاپ اسلامیة، ۱۳۵۶ش.

- ۲۳- قطان، منّاع بن خلیل، مباحث فی علوم القرآن، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۳ ق.
- ۲۴- قمی مشهدی، شیخ محمد بن محمدرضا، کنزالدقائق و بحر الغرائب، تحقیق حسین درگاهی، مؤسسة الطبع والنشر، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، ۱۳۶۶ ش.
- ۲۵- کرمانی، محمود بن حمزة بن نصر، البرهان فی متشابه القرآن، مقدمه و تبیین و تنظیم از احمد عزالدین عبدالله خلف الله، دارالوفاء للطباعة و النشر و التوزیع، بی تا.
- ۲۶- نورسی، سعید، المعجزات القرآنیة، بغداد، مطبعة الرشید، ۱۹۹۰ م.
- ۲۷- هاشمی، سیداحمد، جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.